

مندرجات

- ۲ جنس (فیزیولوژی).....
- ۳ جنسیت (ساختار اجتماعی).....
- ۵ جنسیت ها.....
- ۶ مختص ترنسجندرها/ ترانجنسیتی ها.....
- ۸ گرایش جنسی.....
- ۹ آشکارسازی.....
- ۱۰ کلیشه های اجتماعی.....
- ۱۱ فوبیاها/ هراس ها.....
- ۱۲ سایر اصطلاحات ال جی بی تی آی کیو ای +.....
- ۱۴ حروف اختصاری.....

نشانه

⚠ هشدار: این نشانه هشدار می دهد که اصطلاح منسوخ، توهین آمیز یا بحث برانگیز در نظر گرفته می شود؛ استفاده از این اصطلاح ممکن است موجب رنجش شود.

سلب مسئولیت

واژه نامه از تاریخ ۱۲ اکتبر ۲۰۲۴ به روز شمرده می شود. اصطلاحات این ژانر هنوز در حال تکامل هستند و بنابراین قابل تغییر می باشند.



جنس (فیزیولوژی)

| اصطلاح انگلیسی | کاربرد/مثال | معنی | اصطلاح |
|------------------------------|---|--|-------------------------------------|
| Assigned sex | | یک روش غیررسمی برای اشاره به جنسیت تعیین شده در بدو تولد. | جنس تعیین شده |
| Assigned female at birth | | فردی که بر اساس تعریف علمی و پزشکی بدن زن، در زمان تولد دارای ویژگی های اولیه جنسی دختر تشخیص داده شده است. به عنوان مثال: داشتن اندام تناسلی زن، داشتن کروموزوم های XX. | در بدو تولد زن تعیین شده |
| Assigned male at birth | | فردی که بر اساس تعریف علمی و پزشکی بدن مرد، در زمان تولد دارای ویژگی های اولیه جنسی پسر تشخیص داده شده است. به عنوان مثال: داشتن آلت تناسلی مرد، داشتن کروموزوم XY | در بدو تولد مرد تعیین شده |
| Biological sex ⚠ | | اصطلاحی منسوخ برای جنسی که برای یک فرد در بدو تولد (مرد، زن یا میان جنس) بر اساس ویژگی های کالبدی، فیزیولوژیکی، ژنتیکی یا فیزیکی تصور می شد. | جنس بیولوژیکی ⚠ |
| Biologically female ⚠ | | اصطلاح پزشکی منسوخ برای فردی که در بدو تولد زن شناخته می شده است. | زن بیولوژیکی ⚠ |
| Biologically male ⚠ | | اصطلاح پزشکی منسوخ برای فردی که در بدو تولد مرد شناخته می شده است. | مرد بیولوژیکی ⚠ |
| Endosex | متضاد میان جنس | فردی که با ویژگی های جنسی کالبدی، کروموزومی و هورمونی متناسب با درک پزشکی متعارف بدن مرد یا زن به دنیا آمده است. | اندوسکس/مان جنس |
| Hermaphrodite ⚠ | این اصطلاح در محافل علمی مربوط به مطالعه حیوانات و گیاهان غیر انسان کاربرد دارد، اما نباید برای توصیف انسان به کار رود. | اصطلاحی قدیمی و توهین آمیز برای افرادی که با تفاوت های میان جنسی به دنیا می آیند. | هرمافرودیت (دوجنسه/دوجنسی) ⚠ |
| Intersex | متضاد همان جنس | فردی که با ویژگی های جنسی کالبدی، کروموزومی و هورمونی متفاوتی نسبت به درک پزشکی رایج بدن مرد یا زن به دنیا آمده است. | میان جنس/بینا جنس |
| Intersex variations | | یک رویداد طبیعی بیولوژیکی که در آن ویژگی های جنسی ذاتی فرد ممکن است ترکیبی از ویژگی های جنسی مردانه و زنانه باشد، یا با ویژگی های جنسی مردانه و زنانه متفاوت باشد. طیف گسترده ای از تفاوت های میان جنسی وجود دارند. آنها ممکن است در بدو تولد آشکار باشند یا بعداً در زندگی مثلاً در دوران بلوغ یا هنگام تلاش برای بچه دار شدن آشکار شوند. | تفاوت های میان جنسی |
| Sex | | طبقه بندی قانونی و اداری یک فرد به عنوان مرد، زن یا میان جنس. | جنس |
| Sex assigned at birth | | جنسیتی که برای یک کودک بر اساس آناتومی فیزیکی خارجی نوزاد (اندام های جنسی قابل مشاهده، سایر ویژگی های فیزیکی) ویا سایر روش های پزشکی تعیین می شود. | جنس تعیین شده در بدو تولد |
| Sex characteristics | | ویژگی های فیزیکی مرتبط با رشد جنسی و دستگاه تولید مثل. ویژگی های جنسی اولیه در بدو تولد وجود دارند و می توانند شامل غدد جنسی، کروموزوم ها، اندام های جنسی و هورمون ها باشند. ویژگی های جنسی ثانویه در دوران بلوغ ظاهر می شوند و می توانند شامل رشد سینه، تغییر صدا، موهای صورت و موهای ناحیه تناسلی باشند. | ویژگی های جنسی |

جنسیت (ساختار اجتماعی)

| اصطلاح انگلیسی | کاربرد/مثال | معنی | اصطلاح |
|--|--|---|---|
| Affirmed gender | | جنسیتی که فرد با آن احساس هویت می کند و به خود و دیگران اعلام می کند. این جنسیت ممکن است با جنس تعیین شده در بدو تولد و جنسیت فرض شده متفاوت باشد. | جنسیت تایید شده |
| Assigned gender  | | اصطلاحی منسوخ برای جنسیت فرض شده در بدو تولد. | جنسیت انتسابی  |
| Assumed gender | | جنسیتی که بر اساس ویژگی های جنسی ظاهری یا بیان جنسیتی یک فرد حدس زده می شود. | جنسیت فرض شده |
| Binary | | مخفف رایج برای دوگانه جنسیتی. چیزی که دوگانه است شامل دو دسته می شود. | باینری / دوگانه |
| Cis | | مخفف رایج برای سیسجندر/همسوجنسیت. از پیشوند لاتین به معنای "همسو" گرفته شده است. | مخفف سیسجندر/ همسو جنسیت |
| Cisgender | متضاد ترنسجندر/ تراجنسیت | فردی که جنسیت تایید شده او با جنسیت فرض شده اش در بدو تولد منطبق است. | سیسجندر/ همسوجنسیت |
| Gender | | طبقه بندی اجتماعی فرد به عنوان مرد، زن یا غیر دوگانه (شامل ترنس/ تراجنسیت، خنثی جنسیت، متنوع جنسیت، سیال جنسیت، کوئیر جنسیت و دیگران). این طبقه بندی بر اساس میزان تطابق فرد با نقش های جنسیتی اجتماعی ساخته شده برای مردان و زنان (یا پسران و دختران) است. جنسیت می تواند شامل کیفیت های اجتماعی، فرهنگی، روانشناختی و یا نگرش هایی باشد که جامعه با جنس یک فرد مرتبط می داند. | جنسیت |
| Gender binary | | مفهومی منسوخ که به اشتباه فرض می کند که فقط دو جنسیت وجود دارد - مرد و زن - و همه باید یکی از این دو باشند. | دوگانه جنسیتی |
| Gender expression | | نحوه ای که فرد جنسیت خود را از طریق ظاهر، رفتار، لباس و زبان بدن ابراز می کند. | بیان جنسیتی |
| Gender expansive | | طیف وسیع تر و انعطاف پذیرتر از هویت جنسیتی یا بیان جنسیتی که فراتر از آنچه معمولاً با سیستم دوگانه جنسیتی مرتبط است، می رود. | گسترده جنسیتی |
| Gender identity | | احساس درونی فرد نسبت به خود در ارتباط با ساختارهای اجتماعی جنسیتی در فرهنگ او. این شامل ویژگی های اجتماعی، فرهنگی و روانشناختی مرتبط با مرد یا زن بودن می شود. فرد ممکن است خود را به عنوان مرد یا زن (یا پسر یا دختر)، بین این دو، هیچ کدام یا چیز دیگری شناسایی کند. هویت جنسیتی فرد ممکن است با جنسیتی که برای او در بدو تولد فرض شده است، یکسان یا متفاوت باشد. | هویت جنسیتی |
| Gender identity disorder  | | اصطلاح قدیمی و منسوخ شده برای ملال جنسیتی. | اختلال هویت جنسیتی  |
| Gender-neutral | این اصطلاح برای توصیف افراد استفاده نمی شود. | روشی برای توصیف چیزهایی که عمداً به جنسیت خاصی مرتبط نیستند. به عنوان مثال: اصطلاحات جنسیت خنثی/ خنثی جنسیت (همچنین به عنوان "اصطلاحات فراگیر" شناخته می شوند)، سرویس بهداشتی جنسیت خنثی (یا "سرویس بهداشتی همه جنسیتی"). | جنسیت خنثی |
| Gender assigned at birth  | این اصطلاح بر سیستم طبقه بندی اداری تاکید می کند تا فرضیه های جامعه. | اصطلاحی قدیمی برای جنسیت فرض شده در بدو تولد. | جنسیت انتسابی در بدو تولد  |
| Gender presumed at birth | | فرض اجتماعی و طبقه بندی جنسیت یک نوزاد بر اساس جنس تعیین شده او در بدو تولد. | جنسیت فرضی در بدو تولد |

| اصطلاح انگلیسی | کاربرد/مثال | معنی | اصطلاح |
|-------------------|---|--|------------------|
| Gender pronouns | | کلماتی که برای توصیف کسی در شخص سوم (بدون استفاده از نام آنها) استفاده می‌شود و جنسیت آنها را نشان می‌دهد. رایج‌ترین ضمائر در انگلیسی او/مال او (مذکر)، او/مال او (مؤنث) و ایشان/برای ایشان است. ضمائر جمع شخص سوم آنها/برای آنها ممکن است برای اشاره به یک فرد زمانی که جنسیت یا ضمائر آنها مشخص نیست، در حالت مفرد نیز استفاده شود. افرادی که ترنس هستند ممکن است بر اساس هویت جنسیتی خود از دو یا چند ضمیر استفاده کنند، برای مثال او/انها (مؤنث) یا او/انها(مذکر). | ضمائر جنسیتی |
| Gender spectrum | | درک این موضوع که جنسیت در یک طیف وجود دارد و فراتر از مدل ساده دوگانه نه زن و مرد است. برخی افراد ممکن است به شدت به سمت جنبه‌های مردانه‌تر یا زنانه‌تر گرایش داشته باشند، اما برخی دیگر ممکن است با جنبه‌های مردانه‌تر یا زنانه‌تر کمتری نسبت به خود احساس راحتی کنند، در حالی که همچنان با یک سر طیف ارتباط دارند. برخی افراد به صورت روان در امتداد طیف حرکت می‌کنند و برخی دیگر خود را کاملاً خارج از طیف شناسایی می‌کنند. | طیف جنسیتی |
| Mx | | یک عنوان جنسیت‌خنثی به عنوان جایگزینی برای عناوین جنسیتی مانند آقای، خانم، دوشیزه یا سرکار خانم استفاده می‌شود. | لقب Mx |
| Pronouns | | مخفف ضمائر جنسیت. | ضمائر |
| Third gender | این‌ها هویت‌های خاص فرهنگی هستند که فقط مربوط به افرادی است که به فرهنگ و جامعه مرتبط تعلق دارند. | در برخی جوامع، جنسیت سوم، چهارم یا حتی پنجم ممکن است نقش معنوی یا فرهنگی مهمی برای افرادی داشته باشد که نه مرد هستند و نه زن هستند و به عنوان بخشی جدایی ناپذیر از جامعه دیده می‌شوند. برای مثال «ماهو» در هاوایی، «هجر» در برخی مناطق جنوب آسیا (عمدتاً هند و پاکستان) و «فاعفتاما» و «فاعافاین» در ساموآ. این هویت‌ها خاص فرهنگی هستند که فقط مربوط به افرادی است که به فرهنگ و جامعه مرتبط تعلق دارند. | جنسیت سوم |
| Trans | | مخفف ترانسجند/تراجنسیت. | ترنس |
| Transgender | متضاد سیسجندر/همسوج نس. | فردی که هویت جنسیتی یا بیان جنسیتی او با آنچه که معمولاً با جنسیت تعیین شده در بدو تولد مرتبط است متفاوت است. همه افراد غیر دوگانه جنسیتی خود را ترانسجندر/ تراجنسیت نمی‌دانند و بسیاری از مردان و زنان ترانسجندر/تراجنسیت، جنسیت خود را به شیوه سنتی مردانه یا زنانه بیان می‌کنند. | ترانسجندر/تراجنس |
| X | | یک طبقه‌بندی جنسیتی جایگزین در استرالیا برای ثبت جنسیت یک فرد در اسناد رسمی صادر شده توسط دولت. X (نامشخص، نامعین یا بیناجنسیتی) جایگزین طبقه‌بندی‌های دوگانه قبلی برای M (مرد) یا F (زن) می‌باشد. | X (اکس) |



جنسیت ها

| اصطلاح انگلیسی | کاربرد/مثال | معنی | اصطلاح |
|---|--|--|---|
| Agender | | فردی که با هیچ یک از هویت‌های جنسیتی، هنجارها یا طبقه‌بندی‌های اجتماعی ساخته شده شناسایی نمی‌شود. | بی جنسیت |
| Bigender | | فردی که خود را با بیش از یک جنسیت شناسایی می‌کند. به عنوان مثال، ممکن است خود را هم مرد و هم زن بداند. | دو جنسیتی |
| Cis man | | مردی که جنسیت او در بدو تولد مرد فرض شد است. | مرد سیسجندر/ همسوجنس |
| Cis woman | | زنی که جنسیت او در بدو تولد زن فرض شده است. | زن سیسجندر/ همسوجنس |
| Gender diverse | | فردی که خود را صرفاً مرد یا صرفاً زن نمی‌داند. | دارای جنسیت متنوع |
| Genderfluid | | فردی که احساس جنسیتی او تغییر می‌کند یا نوسان دارد. فردی که جنسیت سیال است ممکن است بین هویت‌های جنسیتی مختلف حرکت کند یا با بیش از یک جنسیت یا هر دو جنسیت در زمان‌های مختلف شناسایی شود. | جنسیت سیال |
| Gender non-binary | | فردی که بیان جنسیتی یا هویت جنسیتی داخلی او کاملاً مطابق با انتظارات اجتماعی موجود در دسته‌های دوگانه جنسیتی مرد و زن (یا پسر و دختر) نیست. دسته‌های غیر دوگانه جنسیتی شامل ترنس/ تراجنسیتی، بی جنسیت، دارای جنسیت متنوع، جنسیت سیال، کوئیر جنسیتی و دیگران هستند. | جنسیت غیر دوگانه |
| Gender non-conforming  | این اصطلاح ممکن است توهین‌آمیز باشد زیرا توصیف فضاوت‌برانگیزتری نسبت به کوئیر یا گسترده جنسیتی است. برخی افراد هنوز از این اصطلاح برای توصیف خود استفاده می‌کنند، اما فقط باید زمانی استفاده شود که فرد قبلاً خود را با اصطلاح مورد نظر شناسایی کرده باشد. | فردی که بیان جنسیتی یا هویت جنسیتی داخلی او از هنجارها و انتظارات جنسیتی افراد همجنس او پیروی نمی‌کند. بسیاری از افراد ممکن است جنسیت خود را به شکلی غیرمعمول ابراز کنند، اما این به تنهایی آنها را ترنسجندر نمی‌کند. | جنسیت نامنتطبق  |
| Gender questioning | | فردی که در حال بررسی مفهوم جنسیت و هویت جنسیتی است و از هیچ اصطلاح خاص دیگری برای توصیف جنسیت خود استفاده نمی‌کند. | پرسشگر |
| Genderqueer | | فردی که هویت جنسیتی او با مفهوم سنتی جنسیت مطابقت ندارد. فرد ممکن است از این اصطلاح برای نشان دادن رد سیاسی یا بازیگوشانه ساختار اجتماعی جنسیت و هنجارهای جنسیتی، یا برای نشان دادن اینکه آنها همسوجنس نیستند، استفاده کند. | کوئیر جنسیتی |
| Gender variant  | این اصطلاح ممکن است توهین‌آمیز باشد زیرا استفاده از کلمه "متغیر" می‌تواند نشان دهد که این افراد "غیر طبیعی" هستند. به اصطلاح جنسیت گسترده مراجعه کنید. | اصطلاح پزشکی برای توصیف افرادی که لباس پوشیدن، رفتار یا ابراز جنسیتشان، مطابق با هنجارهای جنسیتی غالب نیست. | جنسیت مغایر  |
| Pangender | | فردی که با بسیاری یا همه هویت‌های جنسیتی شناسایی می‌شود. ممکن است تجربه چندین جنسیت را همزمان داشته باشد یا بین هویت‌های مختلف جابجا شود. | همه جنسیتی |

واژه نامه فارسی لغات و اصطلاحات ال جی بی تی آی کیو ای +

| اصطلاح انگلیسی | کاربرد/مثال | معنی | اصطلاح |
|-------------------|---|---|-------------------------|
| Transgender man | | اصطلاح گسترده برای مرد ترنس | مرد ترنسجندر/ تراجنسیتی |
| Transgender woman | | اصطلاح گسترده برای زن ترنس | زن ترنسجندر/ تراجنسیتی |
| Trans man | مخفف ترجیحی برای مرد ترنسجندر/تراجنسیتی | مردی که در بدو تولد به عنوان زن تعیین جنسیت شده است اما خود را مرد می‌داند و زندگی می‌کند. بسیاری از مردان ترنس برای ابراز جنسیت خود از کلمه "مرد" استفاده می‌کنند. | مرد ترنس |
| Trans woman | مخفف ترجیحی برای زن ترنسجندر/ تراجنسیتی | زنی که در بدو تولد به عنوان مرد تعیین جنسیت شده است اما خود را زن می‌داند و زندگی می‌کند. بسیاری از زنان ترنس برای ابراز جنسیت خود از کلمه "زن" استفاده می‌کنند. | زن ترنس |

مختص ترنسجندرها/ تراجنسیتی ها

| اصطلاح انگلیسی | کاربرد/مثال | معنی | اصطلاح |
|---|--|---|---|
| Affirmed name | | نامی که فرد برای نشان دادن جنسیت تایید شده خود استفاده می‌کند. | نام تایید شده |
| Binding | | فرایند پیچیدن محکم سینه برای کاهش برجستگی سینه‌ها | بستن و پنهان کردن سینه |
| Chosen gender  | استفاده از کلمه "انتخاب شده" به اشتباه نشان می‌دهد که جنسیت یک انتخاب اختیاری است. | اصطلاح توهین‌آمیز برای جنسیت تایید شده. | جنسیت انتخابی  |
| Dead name | | نامی که در بدو تولد به فرد داده شده است اما دیگر از آن استفاده نمی‌کند زیرا با جنسیت تایید شده یا هویت شخصی او همسو نیست. | اسم قبلی |
| Deadnaming | | استفاده عمدی یا غیرعمدی از نام سابق یک فرد، حتی بعد از اینکه به او گفته شده است که این کار را نکند. چنین اقداماتی هویت جنسیتی فرد را نقض می‌کند و حق او برای امنیت را تضعیف می‌کند. | توهین به شخص یا استفاده از نام سابق |
| Dysphoria | | اختصار برای ملال جنسیتی | ملال |
| Gender affirmation | | فرایند ایجاد تغییرات اجتماعی، قانونی یا پزشکی برای شناخت، پذیرش و ابراز جنسیت تایید شده فرد. تایید جنسیتی لزوماً نشان نمی‌دهد که فرد جنسیت خود را تغییر داده است، بلکه نشان می‌دهد که فرد جنسیت تایید شده خود را پذیرفته است و فرایند به اشتراک گذاشتن این دانش با دیگران را آغاز کرده است. تایید اجتماعی ممکن است شامل استفاده فرد از ضمائر جنسیتی مناسب، استفاده از نام تایید شده یا پذیرش بیان جنسیتی متفاوت (مانند لباس یا مدل مو) باشد. تایید قانونی ممکن است شامل تغییر اطلاعات شخصی نشان داده شده در اسناد رسمی مانند گذرنامه و شناسنامه باشد. تایید پزشکی ممکن است شامل همکاری فرد با پزشکان و سایر متخصصان بهداشت برای تایید پزشکی جنسیت خود از طریق هورمون، استفاده از بلوکه‌کننده‌های بلوغ یا انجام جراحی تاییدی باشد. | تایید جنسیتی |
| Gender-affirming surgery | | مداخلات جراحی تحت نظارت پزشکی برای فعال کردن زیست‌شناسی فیزیکی فرد برای مطابقت با هویت جنسیتی او. جراحی ممکن است بخشی از فرایند تایید جنسیتی باشد. | جراحی تایید جنسیت |

واژه نامه فارسی لغات و اصطلاحات ال جی بی تی آی کیو ای +

| اصطلاح انگلیسی | کاربرد/مثال | معنی | اصطلاح |
|--|--|--|---|
| Gender dysphoria | | ناراحتی، نارضایتی و اضطراب روانی که ممکن است فرد هنگام عدم تطابق جنسیت تأیید شده اش با جنسیتی که در بدو تولد برای او فرض شده است تجربه کند. همچنین ممکن است شامل واکنش‌های عاطفی منفی هنگام اشتباه گرفتن جنسیت فرد باشد، مانند زمانی که کسی از نام مرده یا ضمائر جنسیتی نادرست استفاده می‌کند. | ملال جنسیتی |
| Gender euphoria | | راحتی، اطمینان، شادی، ارتباط و جشنی که فرد ممکن است در رابطه با هویت جنسیتی، بدن، نام، ضمائر یا موارد مشابه هنگام تأیید جنسیتش برای خود و دیگران تجربه کند. | سرخوشی جنسیتی |
| Gender transition  | استفاده از کلمه "گذار" به اشتباه نشان می‌دهد که جنسیت فرض شده در بدو تولد معتبر بوده و بعداً تغییر کرده است، نه اینکه نشان دهد که جنسیت فرد به اشتباه شناسایی شده است. | اصطلاح منسوخ و توهین‌آمیز برای فرایند تأیید جنسیتی. | گذار جنسیتی  |
| Misgendering | | توصیف فرد به اشتباه یا عمدی با زبانی که با جنسیت تأیید شده او مطابقت ندارد. این اشتباه می‌تواند شامل استفاده نادرست از ضمائر جنسیتی (او(مونث)، او(مذکر)، آنها) یا عناوین خانوادگی (پدر، خواهر، عمو، خواهرزاده یا برادرزاده) باشد. | نسبت دادن جنسیتی اشتباه |
| New gender  | استفاده از کلمه "جدید" به اشتباه نشان می‌دهد که جنسیت فرض شده در بدو تولد معتبر بوده و بعداً تغییر کرده است، نه اینکه نشان دهد که جنسیت فرد به اشتباه شناسایی شده است. | اصطلاح توهین‌آمیز برای جنسیت تأیید شده. | جنسیت جدید  |
| Sex change  | این اصطلاح به اشتباه نشان می‌دهد که فرد نمی‌تواند جنسیت خود را بدون مداخله پزشکی مانند جراحی تأیید کند. | اصطلاح عامیانه منسوخ و تا حدودی توهین‌آمیز برای جراحی تأیید جنسیتی. | تغییر جنس  |
| Sex reassignment surgery  | این اصطلاح به اشتباه بر جنسیت انتسابی در بدو تولد تأکید می‌کند تا جنسیت تأیید شده فرد. | اصطلاح منسوخ برای جراحی تأیید جنسیتی. | تغییر جنسیت  |
| Transition  | به تأیید جنسیتی مراجعه کنید. | مخفف رایج برای اصطلاح منسوخ گذار جنسیتی. | گذار  |
| Transitioning | | فردی که فرایند تأیید جنسیت را آغاز کرده است. | فرد در حال گذار |
| Transsexual  | این اصطلاح ممکن است توهین‌آمیز باشد زیرا به اشتباه نشان می‌دهد که باید جنسیت فیزیولوژیکی فرد تغییر کند تا جنسیت او تأیید شود. برخی افراد هنوز از این اصطلاح برای توصیف خود استفاده می‌کنند، اما فقط باید زمانی استفاده شود که فرد قبلاً خود را به عنوان اصطلاح مورد نظر شناسایی کرده باشد. | اصطلاح منسوخ برای کسی که ترنسجندر است. | ترنسکشوال  |

گرایش جنسی

| اصطلاح انگلیسی | کاربرد/مثال | معنی | اصطلاح |
|----------------|--|---|-----------------------|
| Aromantic | | فردی که هیچ یا بسیار کم احساس جذب عاشقانه‌ای را تجربه نمی‌کند. میزان این عدم جذب در افراد مختلف می‌تواند متفاوت باشد. | بی‌عاطفه گرا |
| Asexual | | فردی که احساس جذب جنسی فیزیکی را تجربه نمی‌کند یا بسیار کم تجربه می‌کند. افراد ممکن است این عدم جذب را درجات مختلفی تجربه کنند. | اسکسوال / بی‌جنس گرا |
| Bi | | اختصار رایج برای دوجنس‌گرا | دوجنس‌گرا (اختصاری) |
| Bisexual | | فردی که پتانسیل احساس جذب فیزیکی، جنسی، عاطفی یا عاشقانه نسبت به افراد با بیش از یک جنسیت را دارد. لزوماً نیازی نیست که فرد همزمان، به یک اندازه یا به یک شکل به بیش از یک جنسیت جذب شود. | دوجنس‌گرا |
| Bi+ | | فردی که با بیش از یک جنسیت در درجات مختلف رابطه دارد یا درجات مختلفی از جذب به بیش از یک جنسیت را تجربه می‌کند. علامت "+" نشان می‌دهد که جذب و روابط در یک طیف قرار دارند. | دوجنس‌گرا+ |
| Demiromantic | | فردی که تنها پس از ایجاد ارتباط عاطفی، احساس جذب عاشقانه را تجربه می‌کند. | نیمه عاطفی گرا |
| Demisexual | | فردی که تنها پس از ایجاد ارتباط عاطفی، احساس جذب فیزیکی یا جنسی را تجربه می‌کند. | نیمه جنس گرا |
| Dyke ⚠ | برخی از زنان (زنان سیس، زنان ترنس و افراد غیر دوگانه) این کلمه را بازپس گرفته‌اند و از آن به صورت مثبت استفاده می‌کنند، اما فقط باید زمانی استفاده شود که فرد خودش گفته باشد که ترجیح می‌دهد با این کلمه خطاب شود. | اصطلاحی که در گذشته برای توهین به زنانی که تصور می‌شد به زنان دیگر جذب جنسی یا عاشقانه می‌شوند یا زنانی که به نظر مردانه بودند استفاده می‌شد. | دایک (زن همجنس باز) ⚠ |
| Faggot ⚠ | | اصطلاح تحقیرآمیزی که برای تمسخر یا توهین به مردانی که تصور می‌شد به مردان دیگر جذب جنسی یا عاشقانه می‌شوند یا مردانی که به نظر زنانه بودند استفاده می‌شد. | مرد همجنس باز ⚠ |
| Gay | | فردی که از نظر عاطفی یا جنسی به افراد همجنس یا همجنسیت خود جذب می‌شود. همجنس‌گرا اکنون توسط افراد تمام جنسیت‌ها از جمله مردان (مردان سیس و مردان ترنس)، زنان (زنان سیس و زنان ترنس) و افراد غیر دوگانه جنسیتی استفاده می‌شود. | گی - مرد همجنس گرا |
| Heteroflexible | | فردی که در درجه اول به افراد با جنس یا جنسیت متفاوت با خودش جذب جنسی یا عاشقانه می‌شود، اما گاهی اوقات به افراد همجنس یا همجنسیت خود جذب می‌شود. | همجنس گرای منعطف |
| Heterosexual | | فردی که معمولاً به افراد با جنس یا جنسیت متفاوت با خودش جذب جنسی یا عاشقانه می‌شود، مانند زنانی که به مردان جذب می‌شوند یا مردانی که به زنان جذب می‌شوند. | دگرجنس گرا |
| Homosexual ⚠ | این اصطلاح اغلب توهین‌آمیز تلقی می‌شود زیرا یا تنزل هویت افراد به صرفاً بر اساس جاذبه جنسی، به آن‌ها برچسب می‌زند. | یک اصطلاح پزشکی قدیمی برای گی. | هموسکسوال ⚠ |
| Lesbian | | زنی که عمدتاً یا تنها به زنان دیگر جذب می‌شود | لژیبن |
| Straight | | یک روش غیررسمی برای اشاره به فردی که دگرجنس گراست. | استریت (دگرجنس گرا) |

واژه نامه فارسی لغات و اصطلاحات ال جی بی تی آی کیو ای +

| اصطلاح انگلیسی | کاربرد/مثال | معنی | اصطلاح |
|---------------------|---|---|---------------------------|
| Pansexual | | فردی که بدون در نظر گرفتن جنسیت، جنس یا گرایش جنسی خود به افراد دیگر جذب می‌شود | پان‌سکسوال/ همه جنسگرا |
| Sexual orientation | | شیوه‌ای برای توصیف جاذبه عاطفی، عاشقانه، فیزیکی یا جنسی یک فرد نسبت به فرد دیگر | گرایش جنسی |
| Sexual preference ▲ | استفاده از کلمه "ترجیح" به اشتباه نشان می‌دهد که گرایش جنسی یک فرد انتخابی داوطلبانه است. | یک اصطلاح منسوخ و تا حدودی توهین‌آمیز برای گرایش جنسی | ترجیح جنسی ▲ |

آشکارسازی

| اصطلاح انگلیسی | کاربرد/مثال | معنی | اصطلاح |
|-----------------------|--|--|--|
| Admitted homosexual ▲ | استفاده از "اقرار کرده" به اشتباه نشان می‌دهد که فرد همجنس‌گرا چیزی شرم‌آور یا خجالت‌آور اعتراف می‌کند. | یک اصطلاح منسوخ و تحقیرآمیز برای توصیف کسی که خود را به عنوان همجنس‌گرا در زندگی شخصی، عمومی یا حرفه‌ای معرفی می‌کند. | شخصی که به هموسکسوال بودن اقرار کرده ▲ |
| Closeted ▲ | این اصطلاح ممکن است در برخی فرهنگ‌ها توهین‌آمیز باشد زیرا ممکن است نشان دهد که فرد از هویت خود شرم‌منده است. در واقع، فرد ممکن است با محدودیت‌های فرهنگی زندگی کند. | توصیف فردی که گرایش جنسی یا هویت جنسی خود را برای دیگران فاش نکرده است. | در پستو ▲ |
| Coming Out | | عمل یا فرایند آشکارسازی خودخواسته گرایش جنسی یا هویت جنسی فرد برای خود یا دیگران نزدیک به او. آشکارسازی می‌تواند یک رویداد واحد یا یک فرایند مادام‌العمر باشد و همه افراد جامعه ال جی بی تی آی کیو+ احساس نیاز یا تمایل به آشکارسازی ندارند. تصمیم‌گیری برای این کار به زندگی شخصی، تجربیات و شرایط بستگی دارد. | اشکارسازی |
| Coming In | | عمل یا فرایند آشکارسازی خودخواسته گرایش جنسی یا هویت جنسی فرد برای افراد منتخب نزدیک به او یا دعوت آنها به فضای شخصی خود. ورود به آشکارسازی متفاوت است زیرا به افراد اجازه می‌دهد انتخاب کنند به چه کسی اعتماد کنند، چه کسی را دوست داشته باشند و بل چه کسی احساس امنیت کنند. این مساله نیاز به گفتن به همه افراد در زندگی را از بین می‌برد. | ورود |
| Disclosure ▲ | این اصطلاح ممکن است توهین‌آمیز باشد زیرا ممکن است نشان دهد که چیزی شرم‌آور افشا می‌شود. همچنین ممکن است به اشتباه نشان دهد که آشکارسازی تنها راه نشان دادن افتخار به هویت فرد است. | یک مورد خاص از افشای گرایش جنسی یا هویت جنسی فرد برای دیگران | افشاکری ▲ |
| Openly gay ▲ | این اصطلاح لزوماً در همه فرهنگ‌ها یا برای همه افراد مثبت نیست. | فردی که خود را به عنوان همجنس‌گرا در زندگی شخصی، عمومی یا حرفه‌ای معرفی می‌کند. | همجنس‌گرای علنی ▲ |
| Out ▲ | این اصطلاح لزوماً در همه فرهنگ‌ها یا برای همه افراد مثبت نیست. | فردی که خود را به عنوان ال جی بی تی آی کیو ای + در زندگی شخصی، عمومی یا حرفه‌ای معرفی می‌کند. | علنی ▲ |
| Outing | | به اشتراک گذاری عمدی یا تصادفی هویت، تجربیات یا روابط ال جی بی تی آی کیو ای + فرد بدون اجازه یا رضایت او. | افشای غیرداوطلبانه |

کلیشه های اجتماعی

| اصطلاح انگلیسی | کاربرد/مثال | معنی | اصطلاح |
|---|-------------|--|--|
| Cisgenderism | | یک نظام اعتقادی اجتماعی و فرهنگی پیچیده که افرادی را که با هنجارها و انتظارات جنسیتی مطابقت دارند، ترجیح داده و پاداش می‌دهد. این جانبداری بر اساس این باور نادرست است که افرادی که با هنجارهای جنسیتی مطابقت دارند، به نحوی مشروع‌تر یا طبیعی‌تر از افرادی هستند که مطابقت ندارند. این نگرش فرض می‌کند که افراد متنوع جنسیتی ذاتاً از برخی جهات پایین‌تر هستند. | همسوجنس برتری |
| Cissexism | | یک نظام اعتقادی اجتماعی و فرهنگی پیچیده که افرادی را که همسوجنس هستند، ترجیح داده و پاداش می‌دهد. این جانبداری بر اساس این باور نادرست است که افرادی که همسوجنس هستند به نحوی مشروع‌تر یا طبیعی‌تر از افراد تراجنسیتی هستند. این فرض می‌کند که افراد ترنس ذاتاً از برخی جهات پایین‌تر هستند. | همسوجنس برتری |
| Heterosexism | | یک نظام اعتقادی اجتماعی و فرهنگی پیچیده که افرادی را که دگرجنس‌گرا هستند یا از باورها، ارزش‌ها و اعمال هنجارگرایی دگرجنس‌گرایی حمایت می‌کنند، ترجیح داده و پاداش می‌دهد. این جانبداری بر اساس این باور نادرست است که افراد دگرجنس‌گرا به نحوی ذاتی برتر از افرادی هستند که به جنس یا جنسیت خود جذب می‌شوند. این فرض می‌کند که افراد همجنس‌گرا ذاتاً از برخی جهات پایین‌تر هستند. | دگرجنس گرا برتری |
| Cisnormativity | | یک انتظار اجتماعی نادرست که همه افراد سپس‌جنس هستند و همه افراد همچنان با جنسیتی که در بدو تولد برایشان فرض شده است، هویت‌یابی خواهند کرد. | همسوجنسیت هنجاری |
| Heteronormativity | | یک انتظار اجتماعی نادرست که دگرجنس‌گرایی هنجار جامعه است و افرادی که دگرجنس‌گرا نیستند، بنابراین «متفاوت» یا «غیر» هستند. | دگرجنس گرا هنجاری |
| Homonormativity | | فرایند اعطای امتیاز و پاداش به گروه‌های خاص درون جامعه ال‌جی‌بی‌تی‌آی‌کیو+ (معمولاً مردان همجنس‌گرا، سفیدپوست، همسوجنس) با تکرار هنجارها و رسوم یک جامعه دگرجنس‌گرا و همسوجنس‌گرا در درون جامعه ال‌جی‌بی‌تی‌آی‌کیو+. | همجنس‌گرا هنجاری |
| Gay and lesbian lifestyle  | | اصطلاحی منسوخ و توهین‌آمیز برای توصیف و مشروعیت‌زدایی از جامعه ال‌جی‌بی‌تی‌آی‌کیو+ با معرفی هویت افراد به عنوان یک سبک زندگی، مد یا انتخاب شخصی. این اصطلاح تبعیض اجتماعی، فرهنگی و سیستمی که علیه جامعه ال‌جی‌بی‌تی‌آی‌کیو+ رخ می‌دهد را نادیده می‌گیرد. | رشیوه زندگی کی و لزبین  |
| Gender norms and expectations | | اداب، رسوم و انتظاراتی که توسط جامعه بر اساس جنسیت فرد وضع شده است. این انتظارات معمولاً بر اساس سیستم دوگانه جنسیتی شکل می‌گیرند که در آن از مردان و زنان انتظار می‌رود بر اساس جنس خود به گونه‌های متفاوتی رفتار کنند. هنجارها و انتظارات جنسیتی در جوامع و فرهنگ‌های مختلف متفاوت است. | هنجارها و انتظارات جنسیتی |

واژه نامه فارسی لغات و اصطلاحات ال جی بی تی آی کیو ای +

| اصطلاح انگلیسی | کاربرد/مثال | معنی | اصطلاح |
|----------------------|-------------|--|---------------------|
| Gender role | | مجموعه‌ای از قوانین و انتظارات اجتماعی که بر اساس جنسیت افراد بر آنها تحمیل می‌شود. این انتظارات معمولاً بر اساس یک سیستم دوگانه جنسیتی شکل می‌گیرند که در آن از مردان و زنان انتظار می‌رود بر اساس جنس خود به گونه‌های متفاوتی رفتار کنند. نقش‌های جنسیتی ممکن است بر افراد ترنسجندر یا غیر دوگانه نیز تحمیل شود، یا این انتظار که آنها از هنجارهای جنسیتی دوگانه پیروی کنند و خود را با نقش‌های جنسیتی موجود وفق دهند. | نقش جنسیتی |
| Gender socialisation | | فرایندی که انتظارات در مورد نحوه رفتار مرد یا زن (یا پسر یا دختر) را بر اساس نقش‌های جنسیتی فرهنگی تعریف شده تحت تاثیر قرار می‌دهد و به آنها آموزش می‌دهد. والدین، معلمان، همسالان، رسانه‌ها و دین برخی از عوامل اجتماعی‌سازی جنسیتی هستند. | اجتماعی‌سازی جنسیتی |

فوبیاها / هراس ها

| اصطلاح انگلیسی | کاربرد/مثال | معنی | اصطلاح |
|-------------------|--|---|------------------------------|
| Biphobia | | باورها، تعصبات، کلیشه‌ها و ترس‌های منفی یا خصمانه نسبت به افرادی که دوجنس‌گرا هستند یا تصور می‌شود که دوجنس‌گرا هستند. دوجنس‌گرا هراسی می‌تواند منجر به انگ و تبعیض، از جمله اما نه محدود به، سوء استفاده کلامی، فیزیکی، عاطفی و مالی شود. | دوجنس‌گرا هراسی |
| Transphobia | مثال‌ها شامل خواندن فرد به نام مرده او (نام قبل از تغییر جنسیت)، جنسیت‌گذاری اشتباه و استفاده عمدی از ضمائر اشتباه می‌باشند. | باورها، تعصبات، کلیشه‌ها و ترس‌های منفی یا خصمانه نسبت به افرادی که ترنسجندر، جنسیت متنوع هستند یا متناسب با جنسیت دوگانه نیستند. ترنس فوبیا / دوجنس‌گرا هراسی می‌تواند منجر به انگ و تبعیض، از جمله اما نه محدود به سوء استفاده کلامی، فیزیکی، عاطفی و مالی شود. | ترنس فوبیا / ترنس هراسی |
| Homophobia | مثال‌ها شامل به رسمیت نشناختن همسران هم جنس یا هم جنسیتی و روابط آنها می‌باشد. | باورها، تعصبات، کلیشه‌ها و ترس‌های منفی یا خصمانه نسبت به جاذبه‌ها، تمایلات، احساسات و تجربیات همجنس‌گرایانه. هموفوبیا / هم جنس‌گرا می‌تواند منجر به انگ و تبعیض، از جمله اما نه محدود به سوء استفاده کلامی، فیزیکی، عاطفی و مالی شود. | هموفوبیا / هم جنس‌گرا هراسی |
| Interphobia | | مخفف اینترسکس فوبیا/ بیناجنس هراسی | اینتر فوبیا / بینا جنس هراسی |
| Intersex-phobia | | باورها، تعصبات، کلیشه‌ها و ترس‌های منفی یا خصمانه نسبت به افرادی که با تغییرات بیناجنسی متولد شده‌اند. این می‌تواند منجر به انگ و تبعیض، از جمله اما نه محدود به سوء استفاده کلامی، فیزیکی، عاطفی و مالی شود. تن شرمی (انتقاد از بدن یک فرد و ایجاد احساس بد در او) یکی از نمونه‌های این نوع تبعیض است. | بینا جنس هراسی |
| Queerphobia | | باورها، تعصبات، کلیشه‌ها و ترس‌های منفی یا خصمانه نسبت به افراد جامعه‌ال جی بی تی آی کیو ای + یا افرادی که تصور می‌شود عضو یکی از جوامع ال جی بی تی آی کیو ای + هستند. این فوبیا می‌تواند منجر به انگ و تبعیض، از جمله اما نه محدود به سوء استفاده کلامی، فیزیکی، عاطفی و مالی شود. | کویر فوبیا / کویر هراسی |

سایر اصطلاحات ال جی بی تی آی کیو ای +

| اصطلاح انگلیسی | کاربرد/مثال | معنی | اصطلاح |
|----------------------|---|---|-------------------------------|
| Ally | | کسی که خود را به عنوان یک فرد ال جی بی تی آی کیو ای + شناسایی نمی‌کند، اما از حقوق ال جی بی تی آی کیو ای + دفاع می‌کند و مایل است از قدرت و امتیاز خود برای مبارزه برای شمولیت در سطح شخصی، سازمانی یا سیستماتیک استفاده کند. | حامی |
| Body shaming | | انتقاد از ویژگی‌های فیزیکی یک فرد بر اساس یک ایده از پیش تعیین شده از آنچه مردان و زنان باید به نظر برسند. تحقیر بدنی ممکن است شامل تحقیر جای زخم‌های پس از جراحی، تاخیرهای رشدی، قد یا ویژگی‌های جنسی خصوصی باشد. | تن شرمی / شرم از بدن |
| Cross-dresser | | فردی که از پوشیدن لباس‌هایی که معمولاً با جنسیت متفاوت مرتبط است لذت می‌برد. این می‌تواند راهی برای بیان هویت جنسی واقعی یک فرد باشد، اما همه مبدل پوشان لزوماً عضو جامعه ال جی بی تی آی کیو ای + نیستند. | مبدل پوش |
| Drag | | لباس‌پوشی اغراق‌آمیز عمدتاً برای اهداف سرگرمی. این معمولاً به عنوان هنر اجرا از جمله رقص یا لب‌خوانی در یک نمایش یا محیط تئاتر انجام می‌شود و اغلب شامل آرایش، لباس، کلاه کیس یا تغییرات مشابه در ظاهر می‌شود. لباس پوشیدن به شیوه درگ همیشه نشان‌دهنده جنسیت یک فرد نیست زیرا برخی از درگ کینگ‌ها یا درگ کوئین‌ها همسوجنسیتی هستند، در حالی که برخی دیگر غیرجنسیتی، متنوع جنسیتی، تراجنسیتی یا جنسیت دیگر هستند. | درگ |
| Drag king | | فردی که به طور آگاهانه نوعی اغراق‌آمیز از ابراز مردانگی را اجرا می‌کند، معمولاً در یک نمایش یا محیط تئاتر. درگ کینگ اغلب یک زن همسوجنس است، اما ممکن است فرد دیگری نیز باشد. | درگ کینگ |
| Drag queen | | فردی که به طور آگاهانه نوعی اغراق‌آمیز از ابراز زنانگی را اجرا می‌کند، معمولاً در یک نمایش یا محیط تئاتر. درگ کوئین اغلب یک مرد همسوجنس است، اما ممکن است فرد دیگری نیز باشد. | درگ کوئین |
| Latinx | این اصطلاح فقط در فرم نوشتاری استفاده می‌شود. | یک اصطلاح جنسیت‌خنثی برای توصیف فردی با منشاء یا تبار آمریکای لاتین. ممکن است به جای اصطلاحات دوگانه جنسیتی لاتینو و لاتینا استفاده شود. | لاتینکس |
| LGBTIQA+ community | | یک اصطلاح فراگیر برای گروهی از افراد که دگرجنس‌گرا یا همسوجنسیتی نیستند. این طیف گسترده‌ای از هویت‌ها، تنوع بدن و جذابیت عاطفی، عاشقانه و جنسی را در بر می‌گیرد که در جامعه وجود دارد. | جامعه ال جی بی تی آی کیو ای + |
| LGBTIQA+ communities | | ک اصطلاح فراگیر برای گروه‌ها و جوامع مختلفی که تحت دسته گسترده‌تر ال جی بی تی آی کیو ای + وجود دارند. این اصطلاح مفهوم یکسان بودن یا همگن بودن همه افراد ال جی بی تی آی کیو ای + را به چالش می‌کشد. همچنین طیف گسترده‌ای از تقاطع و تنوع موجود در اصطلاح ال جی بی تی آی کیو ای + را تشخیص می‌دهد. | جوامع ال جی بی تی آی کیو ای + |
| Lived experience | | دانش یک فرد از جهان که از طریق مشارکت مستقیم، دست اول و شخصی به دست آمده است که در مقابل انتظارات ساخته شده توسط افراد دیگر قرار می‌گیرد. | تجربه زیسته |

واژه نامه فارسی لغات و اصطلاحات ال جی بی تی آی کیو ای +

| اصطلاح انگلیسی | کاربرد/مثال | معنی | اصطلاح |
|-------------------|--|--|---------------------------|
| Queer ⚠️ | این اصطلاح لزوما در همه فرهنگ‌ها یا برای همه افراد مثبت تلقی نمی‌شود. | فردی که دگرجنس گرا یا میان جنسیتی نیست. | کویر ⚠️ |
| Queer community | این اصطلاح لزوما در همه فرهنگ‌ها یا برای همه افراد مثبت تلقی نمی‌شود | . یک اصطلاح فراگیر برای گروهی از افراد که دگرجنس گرا یا میان جنسیتی نیستند. این طیف گسترده‌ای از هویت‌ها را در بر می‌گیرد و خطر حذف گروه‌هایی از افراد در صورت حذف یک مخفف را کاهش می‌دهد. | جامعه کویر |
| Questioning | | فردی که در حال کشف و بررسی گرایش جنسی، هویت جنسیتی، بیان جنسیتی یا ترکیبی از آنها است. | پرسشگر |
| Transvestite ⚠️ | برخی افراد هنوز از این اصطلاح برای توصیف خود استفاده می‌کنند، اما فقط باید زمانی استفاده شود که فرد قبلاً خود را به عنوان اصطلاح مورد نظر شناسایی کرده باشد. | یک اصطلاح قدیمی و توهین‌آمیز برای کسی که مبدل پوش است. این اصطلاح در ابتدا برای اشاره به مردانی که برای لذت جنسی لباس می‌پوشند استفاده می‌شد. | ترنسوستیت / دگرجنس پوش ⚠️ |



حروف اختصاری

| اصطلاح انگلیسی | کاربرد/مثال | معنی | اصطلاح |
|----------------|---|---|------------------------------------|
| AFAB | | متولد شده با جنسیت مونث | AFAB (ای اف ای بی) |
| AMAB | | متولد شده با جنسیت مذکر | AMAB (ای ام ای بی) |
| GID ⚠ | به ملال جنسیتی مراجعه کنید. | اختلال هویت جنسیتی | GID (جی ای دی) ⚠ |
| GLBT ⚠ | این اصطلاحی قدیمی تر است که استفاده از آن عموماً قبل از ظهور مخفف ال جی بی تی در دهه ۹۰ است. به طور کلی منسوخ تلقی می شود مگر در شرایط خاص. رجوع شود به ال جی بی تی | همجنس گرا، لزبین، دوجنس گرا، تراجنسی | GLBT (جی ال بی تی) ⚠ |
| GLBTIQ ⚠ | این اصطلاح به طور کلی منسوخ تلقی می شود مگر به عنوان یک مرجع تاریخی. رجوع شود به ال جی بی تی آی کیو. | همجنس گرا، لزبین، دوجنس گرا، تراجنستی، بیناجنسی، کوپیر | GLBTIQ (جی ال بی تی آی کیو) ⚠ |
| LGBT | | لزبین، همجنس گرا، دوجنس گرا، تراجنستی | LGBT (ال جی بی تی) |
| LGBTI | | لزبین، همجنس گرا، دوجنس گرا، تراجنستی، بیناجنسی | LGBTI (ال جی بی تی آی) |
| LGBTIQ | | لزبین، همجنس گرا، دوجنس گرا، تراجنستی، بیناجنسی، کوپیر | LGBTIQ (ال جی بی تی آی کیو) |
| LGBTIQA+ | مخفف ترجیحی زیرا فراگیرتر از سایر گزینه ها است. | لزبین، گی، دوجنس گرا، تراجنستی، بیناجنسی، کوپیر، پرسشگر، بی جنس گرا و گوناگون جنسیتی. علامت مثبت (+) نشان دهنده افرادی است که بخشی از این جامعه هستند اما هویت آنها به طور کامل توسط حروف ال جی بی تی آی کیو ای بیان نمی شود. | LGBTIQA+ (ال جی بی تی آی کیو ای +) |
| GAS | | جراحی تایید جنسیت | GAS (جی ای اس) |
| QPOC | | افراد کوپیر رنگین پوست | QPOC (کیو پی او سی) |
| QTPOC | | افراد کوپیر و تراجنستی رنگین پوست | QTPOC (کیو تی پی او سی) |
| SRS ⚠ | این اصطلاح عموماً منسوخ محسوب می شود. رجوع شود به GAS | جراحی تغییر جنسیت | SRS (اس ار اس) ⚠ |

